

خودشناسی در قرآن

سوره کُف، آیه ۷

استاد حسین نوروزی

جلسه ۲۰ (۱۱ اسفند ۱۴۰۳)

*** ویراستاری - مرحله ۳ از ۵

ما آنچه را که بر روی زمین است زینتی برای آن قرار دادیم تا آن‌ها را امتحان کنیم که کدام یک از ایشان بهتر عمل می‌کنند. «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ» خداوندی متعال می‌فرماید: «ما آنچه را که روی زمین است زینت زمین قرار دادیم.» هرچه که روی زمین است زینت است یعنی تزئین، نما و ظاهری است؛ بیش از این چیزی ندارد.

سؤالی که در این‌جا مطرح می‌شود این است که: «خدایا اگر زمین و آنچه که روی زمین است چیزی جز زینت، نما و این ظاهر نیست پس چرا قرار دادی؟! همین زینت و نمای قشنگ را هم قرار نمی‌دادی!» وقتی خانم‌ها زینت می‌کنند چیزی را که ندارند و برای خودشان نیست به خودشان اضافه می‌کنند؛ شکل و نمایی که ربطی به آن‌ها ندارد. خدا می‌فرماید: «آنچه که روی زمین است؛ زینت زمین قرار دادم» یعنی برای خود زمین نیست؛ اگر باد بیاید همه از بین می‌رود؛ اگر آب بیاید همه شسته می‌شود؛ موقتی است. پس خدایا چرا این کار را کردی؟ چرا زمین و آنچه را که روی زمین است زینت قرار دادی؟ همین زینت را هم قرار نمی‌دادی.

می‌فرماید: «لِنَبْلُوهُمْ أَیُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» تا انسان‌ها را بیازماییم. برای انسان‌ها این کار را کردیم؛ تا آن‌ها را امتحان کنیم و ببینیم چه کسانی فریب این ظاهر، زینت و این نمایش را می‌خورند و چه کسانی از عقل، فهم و شعورشان استفاده می‌کنند و اجازه نمی‌دهند که دنیا و ظاهر زینت شده آن‌ها را فریب دهد. بچه‌ها از ظاهر قشنگ و زیبای یک چیزی خیلی جذب می‌شوند و خوششان می‌آید. چنان جذب می‌شوند و علاقه پیدا می‌کنند که دیگر حاضر نیستند آن چیز را از دست بدهند.

انسان‌هایی هم که ظاهر دنیا را می‌بینند و جذب زینت ظاهر دنیا می‌شوند دیگر حاضر نیستند که دنیا را از دست بدهند. مثل بچه‌ای که هنوز به عقل نرسیده است؛ هنوز اختیارش شکل نگرفته است؛ هنوز خودش را نشناخته و قدر خودش را نمی‌داند؛ خودش را با ظاهر دنیا که فریبنده است عوض

می‌کند! می‌گوید: «تو باش به این قیمت که من جهنم بروم!» این کار چقدر عاقلانه است؟! تمام هم و غم این‌گونه آدم‌ها این است که دنیا را حفظ کنند. می‌گویند: دنیا باشد! حفظ و آباد شود! نکند گوشه دنیا یک خورده ساییده شود! نکند چیزی از این دنیا کم شود! اما این‌که من چه کسی هستم؟ چه چیزی هستم؟ برای چه خلق شده‌ام؟ من هم به فنا رفتم بروم فقط دنیا به فنا نرود. اموالم، زندگی‌ام، عزیزانم، نعمت‌های دنیا همه محفوظ بماند. آیا این عقل است؟! این بچگی و بی‌عقلی است. ما به دنیا آمده‌ایم که از بچگی بیرون بیاییم.

خداوند متعال دنیا را زینت شده خلق فرموده است؛ «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوهُمْ أَئِیْهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» تا شما را امتحان کند و بیازماید که چه کسانی فریب می‌خورند و چه کسانی عقل و فهم دارند و از عقل و فهمشان استفاده می‌کنند و فریب نمی‌خورند. دقت بفرمایید که خداوند متعال چقدر الفاظ را به‌جا، صحیح، دقیق و میزان به کار برده است. «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ» آنچه را که روی زمین است؛ «زینةً لَهَا» «لها» یعنی زمین. ما هرچه که روی زمین است زینت قرار دادیم برای زمین نه برای شما. تو چرا به خودت می‌بالی؟! می‌گوید: «می‌دانی من چه کسی هستم؟! مثلاً اینقدر زور دارم!» این زینت زمین است؛ زینت تو نیست.

این‌ها زینت شما نیست. شما یک گلدان گل خوش‌عطر و خوشبو درخانه‌تان دارید؛ آنقدر به خودت می‌بالی که من یک گلدان خوش‌عطر دارم! گلدانش هم نداری فقط عطرش را در جیبیت داری می‌گوید: «می‌دانی این عطر چیست؟!» به شما چه مربوط است که این عطر معطر است؟! گیرم پدر تو بود فاضل! گیرم عطر توی جیب تو معطر باشد از فضل پدر تو را چه حاصل؟! همه زندگی، دلخوشی، امید، عشق، کیف و لذت ما شده بالیدن به چیزهایی که به ما ربطی ندارد. همه زینت زمین است نه زینت ما. خودت چه چیزی داری؟ از زینت خودت بگو.

این‌که نمی‌دانی فلان گل چه بوی خوبی دارد! خب آن گل بو دارد به من و شما چه ربطی دارد؟ دست خالق و سازنده‌اش درد نکند که چنین گل و بوی عطری را خلق کرده است. خب واقعاً هم خیلی عجیب است یعنی ما در این‌جا باید مرتب خداوند متعال را شکر کنیم و حمد بگوییم که از خاکی که بوی عطر نمی‌دهد گلی بیرون می‌آید که معطر است چون در خاک عطر نریخته‌اند. واقعاً ای واللّه دارد. باید به خدا بگوییم: «ای واللّه چه کار کردی!!» این مربوط به خداست به من و شما چه ربطی دارد؟ شما چرا به خودت می‌بالی؟ تمام بالیدن‌های ما همین چیزها شده است و دلمان خوش است؛ خیال می‌کنیم ما چیزی یا کسی شده‌ایم.

می‌گویی: «من همه گل‌ها را می‌شناسم! می‌دانم چه گلی چه عطر و چه بویی دارد! می‌دانم که خدا چه کارهایی کرده است!» خب همه این‌ها مربوط به خداست به شما چه ربطی دارد؟ خودت چه کار

کردی؟ خودت چه چیزی داری؟ خودت چه عطری داری؟ اگر بوی گند هم عطر محسوب شود شاید بتوانیم بگوئیم ما هم معطر هستیم. آن هم گاهی اوقات یک بویی است. دست خالی پز عالی! به چه پز می‌دهی؟ به ثروت؟! به زیباییات؟! به جوانیات؟! به زورت؟! این‌ها که برای خودت نیست. تمام این‌ها را خدا قرار داده است. خدا می‌فرماید: «انا جعلنا» ما قرار دادیم! به شما چه ربطی دارد؟!

منتها خدا این چیزها را به‌گونه‌ای قرار داده است که ما توهم بزنیم و آن‌ها را به حساب خودمان بنویسیم؛ بگوئیم: «این گل برای من است! این خانه برای من است!» خدا خودش می‌فرماید: «من این زمین را به‌گونه‌ای قرار دادم که آنچه روی زمین است زینت پیدا کند و انسان‌ها فریب بخورند؛ وقتی می‌بینند چنان جذب شوند که بگویند: «این برای من است! من هستم که این هستم! من هستم که چنین ماشینی دارم!!» در حالی‌که این ماشین را اصلاً تو درست نکرده‌ای یکی دیگر ساخته است. موبایل می‌خرد اینقدر پز می‌دهد مرتب جلوی همه می‌گیرد که ببینند که چه خریده است. وقتی آن‌ها هم می‌بینند فریب می‌خورند می‌گویند: «او را ببین چه دارد؟» به او چه ربطی دارد؟ «ببین چقدر خرپول است!»

می‌گوید: «او را ببین!» بگو: «این موبایل را ببین!» به او چه کار داری! می‌گوید او را با موبایلش یکی کرد. او هم خودش می‌خواست که این کار را کند! خودش را با خرش، موبایلش، خانه‌اش، پولش و... همه را با هم یکی کرده است؛ حساب همه را با هم قاطی کرده است. وقتی دیگران می‌خواهند راجع به او قضاوت کنند می‌گویند: «ببین لباس‌هایش را! چه لباس‌های گران قیمتی! عینکش را ببین! می‌دانی عینک برای چیست؟ ماشینش را نگاه کن!» هیچ کس از خودش حرف نمی‌زند. این چیزها که ربطی به او ندارد؛ از خودش بگو! «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا» ما این‌ها را برای دنیا زینت قرار دادیم. این‌ها زینت شما نیست فریب نخورید! فریب ظاهر زیبا و فریبندۀ این دنیا را نخورید؛ توهم نزنید و این‌ها را به حساب خودتان ننویسید. این یک بحث است.

نگاه دوم: آیا داری این چیزها را به حساب خودت می‌نویسی؟ بی‌خود می‌نویسی!! چه چیزی را داری به حساب خودت می‌نویسی؟ اگر چیزی که شما به حساب خودت می‌گذاری؛ برای یکی دیگر باشد اما شما آن‌را به حساب خودت می‌نویسی و پز آن‌را می‌دهی. چه چیزی را داری به حساب خودت می‌گذاری؟ «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا» فقط زینت و نماست.

آیا شما برای سایه حساب باز می‌کنی؟! می‌گویی: «این‌که خودش نیست! سایه‌اش است!» اگر عکس یک سیب را خیلی زیبا بکشند و کمی عطر سیب هم به آن بزنند و جلوی شما بگذارند؛ آیا شما آن‌را برمی‌داری می‌خوری؟ عکسش است خودش نیست! حرفش است خودش نیست! «حلوای تن تنانی تا نخوری ندانی!» خودش را باید بخوری. حقیقت دنیا پوک، توخالی و هیچ چیز است. یک نمایش و زینتی

دارد. زینت شده است. زینت شده یعنی نمای این چیزی را که هست نشان می‌دهد که من چیزی هستم اما در واقع هیچ چیز نیست.

چه می‌شود که ما خیال می‌کنیم دنیا یک چیزی است؟ ذهن ماست. در ذهنمان برای خودمان توهم می‌زنیم و خیال می‌کنیم دنیا یک چیزی است. اسمش خواب است. شما وقتی خواب می‌بینی از هیچ چیز، چیزهایی درست می‌کنی؛ می‌سازی؛ می‌بافی و تخیل می‌کنی؛ همه کشک است. حباب روی آب چیست؟ هیچ چیز!! نه! یک چیزی هست یعنی نشان می‌دهد که من یک چیزی هستم. اما نیست؛ خالی خالی است؛ در آن هواست؛ چیزی نیست. باز حباب یک چیزی دارد نه این‌که ما بخواهیم تشبیه کنیم؛ یک وقت کسانی که وسواس ذهنی دارند نروند در ذهنشان بگویند: «دور حباب آب است!» ما درباره درون حباب صحبت می‌کنیم. یک نمایی است؛ نما یعنی این‌که ذهن شما را درگیر کرده است. واقعا چیزی نیست. زمان چیست؟ زمان گذشته، حال و آینده داریم که ذهن ما درگیر آن است.

ابتدا به ساکن اگر کسی به ما برسد و بگوید: «همه کشک است! گذشته‌ای در کار نیست! آینده‌ای هم وجود ندارد!» به او می‌خندیم که چه می‌گویی! همه زندگی ما به گذشته و حال و آینده ما بند است؛ «اری چه می‌گویی؟! چرا؟ چون داریم در خواب زندگی می‌کنیم. همه ما خواب هستیم. «النَّاسُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا» وقتی از این عالم ذهن بیرون بیایند بیدار می‌شوند. می‌خندی به کسی که بگوید: «شما سرکار هستی! گذشته، حال و آینده‌ای در کار نیست! وقتی ما را بیدار کنند آن وقت تازه می‌فهمی!»

گذشته که گذشته است. خودت می‌گویی گذشته است یعنی نیست. معنی نیست را که می‌فهمی یعنی چه؟ آینده را هم که می‌گویی آینده است؛ هنوز نیامده است یعنی باز هم نیست. می‌گویی: «خب این دو تا نیست اما حال که هست!» می‌گویم: «حال را به من نشان بده ببینم!» تا بیایی دهان باز کنی و بگویی: «حال!» این حال گذشته شد، دیگر نیست. چقدر زمان می‌برد تا حال بی‌حال شود؛ گذشته بشود؟ اصلا زمان چیست؟ دائم در حال رفتن است. گاهی شما داری حرکت می‌کنی با پاها یا خود یا با ماشین یا با موتور یا هواپیما از جایی داری به جای دیگر می‌روی.

می‌گویی: «این‌جا بودم! بعد این‌جا آمدم! بعد این‌جا شد!» در ذهن خود زمانی را درست کردی می‌گویی: «قبل از آن؛ بعد از آن!» خود زمان را داریم می‌گوییم. زمان که چیز ثابتی نیست که بگوییم: «خودش در حال حرکت است!» چقدر زمان داریم؟ آیا زمان در زمان داریم؟! زمان در زمان نداریم؛ همه حرکت است یعنی هیچ. زمان را که با زمان نمی‌سنجند مثلاً بگویند: «در کسری از ثانیه زمان حال تمام می‌شود!» کسری از ثانیه باز خودش زمان است. اصلاً همه زمان حال دائم در حال تمام شدن است.

خب این حقیقت را چگونه به ما بگویند که آقا دنیا یعنی همین زمان؛ همین مکان همین ظاهر و زینت است؛ این دنیا در حال رفتن، فنا و نابودی است! هیچ چیزی نیست! شما داری برایش حساب باز می‌کنی آن را چیزی می‌دانی در حالی‌که هیچ چیزی نیست؛ این ذهنت است که برای دنیا یک چیزی درست کرده است؛ قبلاً؛ بعداً؛ الان. قبلاً، بعداً و الان کجاست؟ الانی که نمی‌توانی آن را نگه‌داری رفت تا آمدی بگویی: «الان!» رفت، قبلاً شد! بنابراین خدا در آیه بعد می‌فرماید: «وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا» همه آنچه را که روی زمین است زینت قرار دادیم! همه این زینت‌ها، رفتنی است ماندنی نیست!

«صَعِيدًا جُرُزًا» زمین را قرار دادیم یعنی آن را لم یزرع و خشک و خالی می‌ماند؛ چیزی ندارد؛ هیچ چیزی روی آن نمی‌ماند یعنی همان چیزی هم که شما می‌دیدید هست زینت بود. زینت بود یعنی هیچ چیز نبود! کشک بود! «وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا» زمین خشک، خاکی و لم یزرع که هیچ چیزی دیگر روی آن نیست. بعد می‌گوید: «یعنی من برای هیچ چیز این همه تلاش کردم؛ زحمت کشیدم؛ زور زدم و دل بستم! برای چه من اینقدر تلاش کردم؟! می‌خواستم به چه برسم؟! به هیچ چیز؟!» بنابراین از دنیا به سراب تعبیر می‌شود.

سراب که آب نیست اما آب را نشان می‌دهد؛ آب نماست؛ به نظر می‌آید آب است! شما هم تشنه هستی به سمت آن می‌روی؛ وقت می‌گذاری؛ عمر صرف می‌کنی و تلاش می‌کنی که به آن برسی اما هرچه می‌روی می‌بینی که عقب و عقب‌تر می‌رود تا وقتی که عمرت تمام می‌شود؛ وقتی که به ته آن می‌رسد می‌بینی اصلاً آبی در کار نیست.

«صَعِيدًا جُرُزًا» تعبیر قرآن این است. زمین خالی، خشک و لم یزرع. همان زمینی که شما خیال می‌کردی آنقدر نعمت، زیبایی و قشنگی دارد؛ چقدر سبز و زیباست! فقط خودت هستی که باقی می‌ماند. همه چیز فانی، رفتنی و گذراست. فریب ظاهر زیبای زینت شده را نخور. چرا خداوند متعال زمین را زینت کرده است؟ چرا ظاهری این‌گونه برای آن درست کرده است؟ چرا دنیا را سراب قرار داده است؟ برای این‌که نشان بدهد آب است. ما هم همه تشنه هستیم، بدو بدو دنبال آب می‌گردیم. چرا این کار را کرده است؟

می‌فرماید: «لِنَبْلُوهُمْ أَئِيَّاهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» برای این‌که می‌خواهم امتحان و آزمایش کنم؛ بیازمایم تا معلوم شود چه کسانی با اختیار و انتخاب خودشان می‌فهمند و فریب نمی‌خورند و چه کسانی با اختیار و انتخاب خودشان نمی‌خواهند بفهمند بلکه می‌خواهند فریب بخورند. همه ما فریب خورده‌ایم! همه ما فریب می‌خوریم. وقتی که بچه به دنیا می‌آید از او توقع و انتظاری نیست که فریب نخورد؛ فریب می‌خورد. «لِنَبْلُوهُمْ أَئِيَّاهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» تا معلوم شود که چه کسانی با اختیار خودشان حسن عمل دارند. حسن عمل یعنی حسن نیت. عمل ما نیت ماست!

اعمال مربوط به دنیا که عمل ما نیست؛ عمل خداست. فرمود: «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً» هرچه روی زمین است ما آنرا زینت دنیا قرار دادیم یعنی هر کاری که توسط شما روی زمین انجام می‌شود فعل ماست به شما ربطی ندارد. آیا نماز خواندی؟ آیا روزه گرفتی؟ این‌ها فعل شما نیست، فعل الله است! اما شما فریب می‌خوری می‌گویی: «من نماز خواندم!» توهم می‌زنی! «من روزه گرفتم!» من عبادت کردم!» این شیطان می‌شود.

بچه‌ها فریب می‌خورند چون اختیارشان هنوز رو نیامده است اما اگر با اختیار خودش بخواهد که فریب بخورد اگر کسی پیدا شود که بخواهد او را بیدار کند و به او بگوید: «فریب نخور! ببین قرآن، خدا و پیغمبران چه فرموده‌اند!» می‌گوید: «نمی‌خواهم ببینم اختیار دارم! نمی‌خواهم گوش کنم! نمی‌خواهم چشم دلم باز شود! نمی‌خواهم چشم عقلم را باز کنی! فعلاً می‌خواهم همین‌طوری خوش باشم! به همین پوچ و سراب خوش باشم! می‌خواهم دل خوش باشم! آیا می‌خواهی دل خوشی من را بگیری؟»

اما می‌خواهد دل خوشی شما را بگیرد که دل خوشی دائمی به شما بدهد؛ اما او می‌گوید: «نمی‌خواهم! من به همین نقد دنیا که بالفعل دارم قانع هستم! بعداً چه می‌شود؟! هرچه می‌خواهد بشود! الان خوش هستم! خوشی من را نگیر! تو ذوقم زن!» یعنی تو ذوق مادی و دنیایی من زن! با اختیار خودش انتخاب کرده است که آخرتش را به دنیای خود بفروشد. خودش می‌داند.

خداوند می‌فرماید: «اگر ما می‌خواستیم همه را هدایت کنیم همه را هدایت می‌کردیم اما نخواستیم همه هدایت شوند! می‌خواهیم خودشان با اختیار خودشان انتخاب کنند که هدایت شوند یا نشوند؛ بفهمند یا نفهمند؛ بپذیرند و قبول کنند یا قبول نکنند!» بنابراین می‌فرماید: «لِنَبْلُوهُمْ أَیُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» تا معلوم شود که نیت آن‌ها چه بوده است. حسن انتخابی یا سوء انتخابی هستند. نیت، انتخاب و تصمیم اختیاری شما، عمل شماست! آنچه که خدا به شما واگذار کرده همین است که تو انتخاب کن که کدام طرفی هستی؟!

آیا می‌خواهی بفهمی یا نمی‌خواهی بفهمی؟! آیا می‌خواهی فریب بخوری؟! آیا می‌خواهی فریفته دنیا شوی؟! فریفته دنیا که هستیم. به دنیا آمدی آیا می‌خواهی در این توهم بمانی یا از آن بیرون بیایی؟ انتخاب با خودت است. دنیا را به‌گونه‌ای قرار داریم که همه را فریفته کند.

«لِنَبْلُوهُمْ أَیُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» تا آزمایش کنیم «نبلوکم» یعنی رو بیاید و معلوم شود که چه کسی چه نیت و خواسته‌ای دارد. حسن انتخابی یا سوء انتخابی است. حسن انتخاب یا سوء انتخابش به مرحله بروز و ظهور برسد وگرنه حسن انتخابی‌ها در عالم ذر وجودشان هستند. ته دل آدم‌ها این نیت وجود دارد که حسن انتخابی یا سوء انتخابی هستند اما بالفعل نشده؛ رو نیامده و ظهور و بروز پیدا نکرده

است. باید به دنیا می‌آمدیم؛ باید خدا دنیا را زینت می‌کرد تا انسان‌ها فریفته شوند تا حساب کسانی که می‌خواهند فریب بخورند با کسانی که نمی‌خواهند فریب بخورند هم جدا شود. لقاء خدا باید خالی از هرگونه توهّم باشد؛ این لقاء خدا می‌شود.

هدف اولیاء خدا و انسان‌های حسن انتخابی، لقاء خداست یعنی به جایی برسند که غیر از خدا یعنی حق و حقیقت هیچ چیزی باقی نماند یعنی از توهّم هیچ چیزی باقی نماند؛ یک ذره هم فریب نخورده باشند. حالا توهّم چقدر دامنه و گسترش دارد و تا کجاها را می‌گیرد؟ هر کجا. کار توهّم به جایی می‌رسد که انسان حتی خود خدا را هم توهّم می‌کند. همه خداها اگر حقیقی بود و واقعاً خدا بود؛ کسانی که مدعی خدایی بودند با همدیگر اختلاف پیدا نمی‌کردند. همه این اختلافات به‌خاطر این است که بیشتر آن توهّم است؛ خدا نیست!

امام صادق علیه السلام فرمود: «کل یتقربون الی الله» همه کسانی که با امام حسین (ع) جنگیدند به خدا تقرب جستند. این کدام خداست که با کشتن امام حسین که از طرف خود خدا منصوب و منصوب و به عنوان امام زمانشان است می‌خواهند به آن خدا تقرب پیدا کنند؟! این کدام خداست؟! آیا واقعاً قصد تقرب الی الله داشتند؟!

قصد تقربشان واقعی بود اما خدایشان خدای واقعی نبود. قصد تقرب به خدای توهمی و خیالی بود. لقاء خدا و رسیدن به خدا و ملاقات با او آنجایی است که دیگر هیچ چیزی از توهّم باقی نماند. دیگر شما خودت را، ماشین، خانه، زن، بچه، همسر، فامیل، رفیق، پست، مقام، شهرت، اعتبار، نماز، روزه، حج، اعمال خیر، قلب سلیم و حسنات خود ندانی! نه لب راجحت؛ نه ادب بارعت و نه علمت!

«اللهم انی اعوذ بک من علم لا ینفع» «قل اعوذ برب الفلق من شر ما خلق» «مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةٌ لَهَا» ما اسم آخرت را روی آن می‌گذاریم خیال می‌کنیم این آخرت شد درحالی‌که آخرت، نیت شماسست. اعمال شما مربوط به دنیا است. وقتی که شما نماز می‌خوانی، آیا داری در آخرت نماز می‌خوانی؟ پس برای چه این همه مسجد ساختند؛ فرش پهن کردند؛ این همه خرج کردند؟! برای این‌که می‌خواهی روی زمین نماز بخوانی؛ می‌خواهی در دنیا این عمل را انجام بدهی. این‌ها عمل دنیا است. نیت شماسست که به آخرت شما مربوط می‌شود.

به این «زینة لها» زینت شده می‌گویند؛ به‌گونه‌ای زینت شده که فریب آن‌را می‌خوری؛ «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا» زینت کردیم؛ تو را فریب می‌دهد. می‌بینی شما روی زمین ایستاده‌ای؛ می‌گویی: «الله اکبر!» دولا و سه‌لا می‌شوی نماز می‌خوانی؛ همه این کارها روی زمین اتفاق می‌افتد بعد در آخرت از خدا طلبکار می‌شود. خدا هم در آخرت تو را به ملائکه پنجم یعنی عزرائیل، اسرافیل، میکائیل و جبرائیل

حواله می‌دهد. می‌گوید: «برو سراغ پنجمی مزد خود را بگیر!» کاری که در دنیا انجام دادی با چه نیتی انجام دادی؟ این را بگو. آخرت، نیت شماس است که پشت است! آخر است رو نیست! آنچه که رو است مربوط به دنیاست. شیطان همین‌طوری فریب خورد؛ به خدا گفت: «من را فریب می‌دهی؟! تمام بندگان را فریب می‌دهم!» نگفت: «خدایا دستت درد نکند! چه دنیایی درست کردی که من فریب بخورم و اختیار من رو بیاید!»

«لِنَبْلُوهُمْ أَیُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» گفت من را فریب می‌دهی؟ «رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي» خدایا به خاطر این که من را فریب دادی؛ من مرتب نماز خواندم روزه گرفتم؛ خیال کردم این نماز و روزه‌ها ذخیره آخرت من می‌شود در حالی که این کارها مربوط به آخرت نبود نیت من بود مربوط به آخرت بود. اینها مربوط به دنیا بود همه اش دنیایی بود. فعل خودت است. تو توفیق دادی من نماز بخوانم و روزه بگیرم. کار من نبود. از خودم دیدم. اینکه از خودم دیدم یعنی فریب خوردم. چه کسی من را فریب داد؟ خدا فریبم داد حالا که من را فریب دادی؛ «لَأَغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ» من هم همه بندگان را فریب می‌دهم. خدا به اندازه کافی در دنیا برای ما زینت برای فریب خوردن درست کرده است.

شیطان هم به خدا گفت: «رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ» من هم زینت می‌کنم یعنی غیر از این زینتی که تو کردی من هم به آن اضافه می‌کنم یعنی مردم به اندازه کافی متوهم هستند من هم به این توهم و خریتشان اضافه می‌کنم و آن‌ها را خرت می‌کنم. جالب این جاست که خداوند متعال به شیطان می‌گوید: «باشد به تو مهلت می‌دهم!» شیطان از خدا مهلت گرفت. آیاتش را قبلاً بررسی کردیم. شیطان از خدا مهلت گرفت خدا هم گفت: «به تو مهلت می‌دهم!» «إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ» فعلاً به تو مهلت می‌دهم برو انسان‌ها را فریب بده اما به تو نمی‌گویم تا چه موقع! فقط خودم می‌دانم تا چه موقع! فریب خوردن انسان‌ها در راستای خواست خداست. خدا خواسته است. چرا؟

چرایش مهم است. چرایش این است که: «لِنَبْلُوهُمْ أَیُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» شما ناراحت نباشید از این که کسی فریب دنیا را خورده است چرا که خداوند به او اختیار است؛ اختیار یعنی همه چیز! اختیار قدرتی است که می‌تواند با آن آخرت خودش را بسازد. خداوند آخرت انسان را به دست خودش سپرده است؛ خداوند به انسان می‌گوید: «تو در دنیا دخالت نکن! به تو ربطی ندارد! آخرت دست خودت است؛ به تو اختیار داده‌ام!»

«إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» اما ما فقط یک طرف قضیه را می‌بینیم؛ دلمان می‌لرزد؛ می‌گوییم: «انسان‌ها فریب می‌خورند. چرا دست شیطان باز گذاشته شده است که انسان‌ها را فریب بدهد؟!» خدا خود می‌فرماید: «إِنَّا جَعَلْنَا» ما خودمان روی زمین زینت قرار دادیم که معلوم شود چه کسانی فریب می‌خورند و چه کسانی فریب نمی‌خورند. چه کسانی فریب می‌خورند؟ کسانی که فریب

خوردند آیا در فریب خوردنشان می‌مانند یا از آن بیرون می‌آیند و توبه می‌کنند؟ «اَيُّهُمْ احْسَنُ عَمَلًا» کدام یک از انسان‌ها عملش بهتر است؛ بهتر است یعنی نیتشان خالص‌تر است. نمی‌فرماید: «اکثرُ عملًا» کسانی که عمل بیشتری انجام می‌دهند؛ نماز بیشتری می‌خوانند یا روزهٔ زیادتري می‌گیرند؛ تعداد حج‌های زیادتري رفته‌اند بلکه می‌فرماید: «ايهم احسن عملا» کیفیت کار مربوط به نیت می‌شود. کسانی که درجهٔ حسن انتخابشان بیشتر است.